



پیوند آزادی و سیاست با اسلام

شهید آیت‌الله مرتضی مطهری به عنوان یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی، منظومه‌ای فکری بنا نهاد که در آن مفاهیم مدرنی چون «آزادی» و «سیاست» با مبانی مستحکم اسلامی پیوند می‌خورند.

شهید آیت‌الله مرتضی مطهری به عنوان یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی، منظومه‌ای فکری بنا نهاد که در آن مفاهیم مدرنی چون «آزادی» و «سیاست» با مبانی مستحکم اسلامی پیوند می‌خورند.

به گزارش خبرنگار مهر، امروز ۱۲ اردیبهشت سالروز شهادت آیت‌الله مطهری و روز بزرگداشت مقام معلم است. شهید آیت‌الله مرتضی مطهری به عنوان یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی، منظومه‌ای فکری بنا نهاد که در آن مفاهیم مدرنی چون «آزادی» و «سیاست» با مبانی مستحکم کلامی و فلسفی اسلامی پیوند می‌خورند. اندیشه سیاسی او صرفاً یک تئوری برای کشورداری نیست، بلکه برخاسته از یک جهان بینی توحیدی است که انسان را موجودی مختار، مسئول و در عین حال کمال جو می‌بیند. در ادامه، بر پایه منابع پژوهشی معتبر، به بررسی ابعاد مختلف آزادی اندیشه و جایگاه آن در ساختار سیاسی مد نظر استاد مطهری می‌پردازیم.

مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی آزادی

در نگاه شهید مطهری، آزادی پیش از آنکه یک قرارداد اجتماعی یا سیاسی باشد، ریشه در خلقت و فطرت انسان دارد. او برخلاف مکاتب مادی که انسان را اسیر غرایز یا جبرهای تاریخی و اقتصادی می‌دانند، بر «اراده آزاد» انسان تأکید می‌ورزد. از دیدگاه ایشان، آزادی یکی از لوازم تکامل و رشد بشر است؛ چرا که کمال اجباری، کمال محسوب نمی‌شود. انسان باید آزاد باشد تا میان راه صواب و خطا، آگاهانه انتخاب کند.

استاد مطهری میان دو نوع آزادی تفکیک قائل می‌شود: «آزادی اجتماعی» و «آزادی معنوی». او معتقد است آزادی اجتماعی و رهایی از قید اسارت و بندگی دیگران بدون آزادی معنوی و رهایی از قید اسارت نفس و شهوات پایدار نخواهد ماند. در واقع، کسی که برده هوای نفس خویش است، نمی‌تواند پاسبان صادقی برای آزادی‌های دیگران باشد. این پیوند میان اخلاق و سیاست، نقطه تمایز اصلی اندیشه او با لیبرالیسم غربی است.

حل پارادوکس آزادی و اندیشه

یکی از چالش‌های مهم در فلسفه سیاسی، نسبت میان «آزادی» و «حقیقت» است. شهید مطهری در تبیین این موضوع، پارادوکسی را حل می‌کند که بسیاری از اندیشمندان در آن گرفتار شده‌اند: آیا باید به اندیشه‌های باطل نیز اجازه بروز داد؟

پاسخ ایشان قاطعانه مثبت است، اما با یک تبصره معرفت‌شناختی دقیق. ایشان میان «آزادی اندیشه» و «آزادی عقیده» تفاوت می‌گذارد. «اندیشه» ناشی از فعالیت عقلانی و قوه تفکر است که اسلام نه تنها آن را آزاد دانسته، بلکه به آن امر کرده است. اما «عقیده» ممکن است ناشی از وراثت، تعصب، عادت یا تقلید باشد که زنجیری بر دست و پای عقل است (مانند بت پرستی). استاد مطهری معتقد است اسلام با «عقاید سخیف» که مایه تخدیر و رکود عقل هستند مبارزه می‌کند تا «اندیشه» آزاد شود. بنابراین، آزادی در نگاه او به معنای رهایی از موانع رشد است، نه آزادی در فرو رفتن در خرافات.

آزادی بیان و مواجهه با افکار مخالف

شهید مطهری از معدود متفکرانی بود که حتی در اوج هیجانات انقلابی، بر لزوم آزادی بیان برای مخالفان تأکید داشت. سخن مشهور ایشان مبنی بر اینکه در جمهوری اسلامی حتی احزاب غیراسلامی و ماتریالیست هم باید آزاد باشند تا حرف خود را بزنند گویای عمق باور او به قدرت منطق اسلام است. او معتقد بود اسلام به دلیل غنای برهانی، از برخورد آراء هراسی ندارد و اتفاقاً در فضای تضارب آراء است که حقیقت شکوفا می‌شود.

ایشان در کتاب «پیرامون جمهوری اسلامی» تصریح می‌کند که تنها شرط این آزادی، «عدم توطئه» و «صداقت در بیان» است. از نظر ایشان، اگر کسی با نقاب علم و تحقیق بخواهد فریب کاری کند، این دیگر آزادی اندیشه نیست، بلکه «توطئه» است که هر نظامی حق دارد در برابر آن بایستد.

در اندیشه سیاسی مطهری، حکومت وسیله ای برای تحقق عدالت و زمینه سازی برای کمال انسان است. او ولایت فقیه را نه به معنای حکومت فردی یا استبداد مذهبی، بلکه به معنای «ولایت ایدئولوژی» و نظارت یک کارشناس امین بر اجرای عدالت می دانست. از نظر او، حاکم در قبال مردم مسئول است و مردم نه تنها حق، بلکه تکلیف دارند که بر عملکرد حاکمان نظارت کنند. این حق نظارت، برخاسته از اصل «امر به معروف و نهی از منکر» است که والاترین شکل مشارکت سیاسی و آزادی بیان در اسلام به شمار می رود.

به طور خلاصه، شهید مطهری آزادی را «نبود مانع در راه رشد» تعریف می کند. در تفکر او، آزادی یک ارزش مطلق و بی هدف نیست چنانکه در برخی قرائت های لیبرالیستی دیده می شود، بلکه ابزاری است در خدمت «حق» و «انسانیت». او هشدار می دهد که اگر آزادی از حقیقت و اخلاق جدا شود، به ضد خود تبدیل گشته و منجر به «ولنگاری» و سقوط بشریت می گردد.

اندیشه سیاسی مطهری با تأکید بر عقلانیت، حریت و کرامت انسانی، الگویی از «دموکراسی متعهد» را ارائه می دهد که در آن، صندوق رأی و آزادی های مدنی با ارزش های متعالی و حیانی در تعامل قرار می گیرند تا جامعه ای پویا، آزاد و عدالت خواه پدید آید. این نگاه جامع، پارادوکس های میان سنت و مدرنیته را در حوزه سیاست و آزادی، با بازگشت به فطرت الهی انسان حل و فصل می کند.